

کارکرد معنوی زیارت در تربیت عبادی انسان قرن بیست و یکم با تأکید بر زیارت اربعین

احسان پوراسماعیل^۱

چکیده

خاستگاه مبحث زیارت، سبک زندگی و فرمایش‌های مختلف اهل بیت (علیهم السلام) است؛ براینده انس با زیارت معصومان (علیهم السلام) باعث تحول شخصیت معنوی انسان در زندگی ماشینی امروز است. با تمام ناملازمات جامعه، روش اهل بیت (علیهم السلام) برقراری پیوند شیعیان با مقوله‌ی زیارت برای پالایش روح او در جهان معاصر است، این موهبت به ویژه در عصر غیبت که ارتباط مستقیم با امام معصوم برقرار نیست، جلوه‌ای دیگر دارد و باعث حفظ کیان شیعه در شرایط بحرانی است؛ در این میان زیارت اربعین به عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ اجتماعی به صورت مستقل تمدن ساز بوده است و تمام شاخصه‌های یک فرهنگ پویا در آن دیده می‌شود. آثار دنیوی زیارت، طهارت ظاهری و باطنی، دستیابی به معارف توحیدی در سایه‌ی پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و افزایش رزق مادی و معنوی، رفع مشکلات، انتقال قطب علمی در موطن دفن حجت‌های خداست؛ در آخرت نیز مهم‌ترین ثمره‌ی زیارت، شفاعت است، بنابراین نجات انسان در سایه‌ی توسل همیشگی به حجت‌های خداوند در قالب زیارت از نزدیک و یا حتی دور ترسیم شده است. در کنار همه‌ی مؤلفه‌های بیان شده باید به ظرفیت زیارت‌نامه‌های مأثور، توجهی ویژه داشت که نقشی بی‌بدیل در اشاعه‌ی فرهنگ غنی تشیع داشته است، به طوری که می‌توان با بررسی و شرح هر یک به دکتربین این مکتب پی برد.

کلید واژه: زیارت، تربیت دینی، تربیت عبادی، زیارت‌نامه، زیارت اربعین، تمدن اسلامی.

مقدمه

^۱ - استادیار مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی مشهد

اگر چه امروز برخی از اندیشه‌های ناصواب در پی تخریب فرهنگ زیارت هستند، اما هر مسلمان آزاداندیش با مراجعه به منابع اصیل پی به اهمیت این مهم در تربیت عبادی انسان می‌برد؛ حضور نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در جریان صلح حدیبیه در سال ششم هجری بر سر مزار مادر گرانقدرش، جناب آمنه (علیها السلام) در سرزمین ابواء و مرمت و بازسازی آن مکان که گزارش آن در منابع شیعه (مجلسی، ۱۳۹۶) و اهل تسنن (ابن سعد، ۱۴۱۰) آمده است و تکرار این اقدام در حجه الوداع (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷) حاکی از تلاش پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نهادینه کردن فرهنگ زیارت در صدر اسلام دارد. نقل این جریان در کتابی چون طبقات ابن سعد با توجه به این که سبک کار وی، همان سبک حدیثی است و لذا نوع اخبار وی به صورت مسند ارائه می‌شود، حائز اهمیت است؛ طبقات به قدری از نظر اطلاعات اجتماعی و فردی اهمیت دارد که بنا به نظر برخی مورخان بدون آن نمی‌توان قرن اول و دوم هجری را شناخت (جعفریان، ۱۳۸۹).

نووی نیز در شرح صحیح مسلم در بیان فلسفه‌ی زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نقل از وی آورده است: «برای زیارت مادرم از پروردگارم اجازه گرفتم که به من اذن داده شد، پس شما نیز آرامگاه‌ها را زیارت کنید چون مرگ را به یاد می‌آورید» (نووی، ۱۳۹۲). هم‌چنین بیهقی و سایر محدثان نقل کرده‌اند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مزار شهدای احد را زیارت کرد و فرمود: «خدایا! بنده و پیامبرت گواهی می‌دهد که اینان شهیدان - در راه تو - هستند و هر کس زیارتشان کند یا تا روز قیامت به آن‌ها سلام کند، پاسخ سلامش را می‌دهند (سمهودی، ۱۴۱۹). بررسی یکان یکان این موارد هدف این نوشتار نیست اما اینکه حتی خلفای سه‌گانه‌ی اهل تسنن به زیارت شهدای احد رفته‌اند (همان) این پرسش را به در ذهن ایجاد می‌کند که با توجه به این همه نمونه‌های مختلف تاریخی ادعای سلفیه مبنی بر این که می‌گویند ما پیروی سلف صالح هستیم، چگونه توجیه می‌شود؟

علامه امینی خاستگاه این اندیشه را تفکرات بنی امیه می‌داند و بعد از نقل جریانی تاریخی در نقد مروان به زیارت نبی توسط ابو ایوب انصاری می‌نویسد: «این حدیث به ما خبر می‌دهد که منع از توسل به قبرهای طاهره همانا که از بدعت‌های امویان و ضلالت‌هایشان است که از زمان صحابه بوده و گرنه گوش دنیا هرگز نشنیده که یک صحابی هم منکر توسل شود، غیر از زاده‌ی خانه‌ی امیه یعنی مروان خائن کینه‌توز...» (همو، ۱۳۴۶).

جریان مقابله با گوهر زیارت اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه زیارت امام حسین (علیه السلام) از همان عصر حضور مستقیم ائمه‌ی شیعه توسط مخالفان برنامه‌ریزی و پیگیری شده است.

هارون الرشید در اواخر حکومت خود محو آثار حائز حسینی و ممنوعیت زیارت را خواستار شد و دستور قطع شدن درخت سدر را صادر کرد؛ درخت سدر نشانی برای زائران امام حسین (علیه السلام) بود که در روایات نبوی قطع کننده‌ی این درخت را لعنت نموده است؛ بعد از این جریان، حقیقت کلام نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) آشکار شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، امالی، ۱۴۱۴ و مجلسی، ۱۴۰۴).

شیعیان در پوشش تاریکی شب به زیارت امام حسین (علیه السلام) می‌رفتند، با این حال برخی گرفتار می‌شدند و سختی مجازات حکام را به جان می‌خریدند. (کلیدار، ۱۳۸۹) بنابراین رویکرد شیعه از سال شهادت امام حسین (علیه السلام) در ۶۱ هجری، زنده نگه داشتن فرهنگ زیارت با تمام بدرفتاری‌های حاکمان زمانه بوده و هست؛ اگر چه شیعه نسبت به اهل تسنن در اقلیت است اما اندیشه‌ی سترگ زیارت اربعین، منجر به بزرگ‌ترین اجتماع و پیاده‌روی مذهبی در جهان به نام تشیع شده است.

متوکل عباسی در دوران حکومتش از سال ۲۳۲ تا ۲۴۷ به علت دشمنی با امام علی (علیه السلام) و شیعیان آن حضرت، (نک: اصفهانی، ۱۴۰۵) در سال ۲۳۶ هجری، فرمان ویران کردن بنای روی قبر امام حسین (علیه السلام) و خانه‌های اطراف آن را صادر کرد ولی آب نزدیک قبر ایستاد و آن را فرا نگرفت. (ابن اثیر، ۱۳۷۱ و زرکلی، ۱۹۹۸) از زمان این مکان به حائر حسینی شهرت یافت «حار الماء» (شهیداول، بی تا، طوسی، ۱۴۱۴) وی در تصمیم خود مصمم بود بنابراین باز دستور تخریب قبر و شخم زدن و بذر پاشیدن و آبیاری کردن را صادر کرد تا مردم را از رفتن به کربلا منع کند (طبری، بی تا و ابن عبری، ۱۳۷۷). ابن طقطقی، ۱۳۶۰) در یکی از این اقدامات به دلیل اکراه مسلمانان از عمکرد او، وی دیزج، یهودی تازه مسلمان را برای شخم زدن و آبیاری گماشت (مسعودی، ۱۴۰۴) ابوالفرج اصفهانی مجموعاً چهار بار از هتک حرمت و تخریب متوکل را گزارش می‌کند (اصفهانی، ۱۹۶۵) با این حال در قرون اخیر مهم‌ترین تخریب بنای حرم مربوط به سال ۱۲۱۶ توسط وهابیان بود که در این حمله، علاوه بر کشتار بسیاری از مردم، حرم حسینی به شدت تخریب شد و اموال آن به غارت رفت. (امین، بی تا و Longrigg, 1968) نجدی مورخ معروف وهابیت می‌گوید: جنگجویان نجدی قبه‌ی روی قبر حسین را خراب کردند و آن‌چه در داخل قبه و حوالی آن بود به چپاول بردند، و سنگ روی قبر را که با دانه‌های زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر آراسته شده بود کردند و با خود بردند و آن‌چه در شهر یافتند از اموال و اسلحه و لباس و فرش و طلا ربودند... (همو، ۱۴۲۹)

قرآن کریم چه نیک فرموده است: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف، ۸) یعنی: می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا -گر چه کافران را ناخوش آفتد- نور خود را کامل خواهد گردانید.

زیارت، پدیده‌ای است که به سبب آن نور دین حفظ می‌شود و به خصوص در روزگار کنونی که بشر در فضای ناملازمات قرن بیست و یکم قرار گرفته است، این حقیقت ما را حفظ می‌کند.

در این نوشتار بر اساس آنچه امروز در جریان زیارت در جوامع دینی مطرح می‌شود سعی شده است با تأکید به زیارت اربعین، جنبه‌هایی که تاکنون در بررسی زیارت اربعین مغفول مانده است، بیان شود.

ببررسی‌های انجام گرفته بیشتر به تأکیدهای اهل بیت (علیهم السلام) و بزرگان جهت اقامه‌ی زیارت اربعین پی می‌بریم ولی در این مقاله بعد از پژوهش در کارکردهای متفاوت زیارت اربعین، به نقش بی‌بدیل آن در تربیت عبادی پرداختیم و آن را موهبتی بزرگ از ناحیه‌ی شریعت برای بشر قرن بیست و یکم ترسیم کرده‌ایم.

رابطه‌ی زیارت و روان‌شناسی دین

برخی از روان‌شناسان در روزگار معاصر، نگرشی مثبت به «روان‌شناسی دین» دارند و دین را به عنوان یک مقوله‌ی ارزشمند ترسیم می‌کنند (شافرانسکی^۱، ۱۹۹۶) پس بنا بر تحقیقات به عمل آمده رابطه‌ی مثبت بین دین‌داری و سلامت روانی وجود دارد (کوئنیگ، مکلو ولارسون^۲، ۲۰۰۱)

زیارت یکی از گزاره‌هایی است که باعث نگرش مثبت در دنیا برای فرد در مقابله با رخدادهای ناگوار زندگی مثل فقدان یا بیماری دارد. وجود پناهگاهی به عنوان «حجت خدا» این امکان را به فرد می‌دهد که با تخلیه‌ی هیجانی، ضمن برقراری

^۱ - Shafranske

^۲ -Koenig&.McCullough&Larson

پیوندی عمیق‌تر با فرستاده‌ی خدا، توانایی ادامه‌ی مسیر زندگی هم بر اساس ایجاد آرامش بعد از زیارت و هم به واسطه‌ی برآورده شدن نیازهای خود پدیدار می‌شود.

مطالعات نشان می‌دهد افرادی که زیارت را به عنوان یک برنامه ریزی مهم در زندگی خود گنجانده‌اند در بروز حوادث توانایی مقابله با ناملایمات را بیشتر دارند، بنابراین زیارت سبب بروز روحیه‌ی ای امید و سرزندگی در فرد می‌شود.

به نظر می‌رسد به همین دلیل (کوئینگ^۱، ۲۰۰۴) معتقد است افراد مذهبی احساس آزادی شخصی بیشتری نسبت به دیگران دارند، وابستگی عاطفی کمتری به اطرافیان دارند و از شخصیت‌های دینی مقاوم‌الگو برداری می‌کنند.

با بررسی زندگی اهل بیت (علیهم السلام) پی به فشارهای مختلف از سوی حاکمان در طول حیاتشان هستیم، به این ترتیب مزور با همزاد پنداری می‌تواند به آرامش نسبی و کاهش تنش‌ها در زندگی می‌شود.

موضوعیت اصل زیارت

اصل زیارت مزار مطهر اهل بیت (علیهم السلام) در مکتب تشیع، موضوعیت دارد، حضرت امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي غُنْقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ...» (شیخ صدوق، ۱۳۷۵) یعنی: برای هر امامی، عهد و پیمانی بر گردن دوستان و پیروان اوست و از نشانه‌های وفای کامل به این پیمان، زیارت قبر امامان است. از دیگر سو زیارت امام حسین (علیه السلام) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان گفت: ماهیت انسان را تغییر می‌دهد؛ در میان زیارات اهل بیت (علیهم السلام) زیارت امام حسین (علیه السلام) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) مَا شِئَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ». یعنی: هر که پیاده به نزد قبر حسین (علیه السلام) برود، خداوند، برای هر قدمش هزار حسنه می‌نویسد و هزار زشتکاری را از او می‌زداید و او را هزار درجه بالا می‌برد.

اساس دین در زبان معصومان (علیهم السلام) بر این دو اصل استوار است. «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ؟» «این محبت به خاندان عصمت است که زائر را از روزمرگی دنیای ماشینی به مشی در جاده سعادت می‌کشاند، اما آن چنان که پیشتان زیارت اربعین به ما آموخته‌اند، این محبت باید با اعلام برائت از راهزنان مسیر سعادت همراه باشد. شیخ طوسی به نقل از «صفوان جمال» می‌گوید: وقتی از امام صادق (علیه السلام) اذن زیارت امام حسین (علیه السلام) گرفتم، از ایشان درخواست کردم آنچه باید در این مسیر انجام دهم را بفرمایند. حضرت پس از تکبیر و تهلیل و صلوات فرمودند: «وَ الْعَنْ عَلِيَّ مَنْ قَتَلَهُ وَ الْبِرَاءَةَ مِمَّنْ أَسَسَ ذَلِكَ عَلَيْهِ» برائت بجو از کسانی که اساس شهادت امام حسین (علیه السلام) را بنیان نهادند. (همو، ۱۴۱۱).

عنصر پویایی و همبستگی در زیارت

شاخصه حرکت و پویایی، شیعه را از ایستایی باز می‌دارد و این مفهوم را بارور می‌سازد که برای پیشرفت مکتب، باید پیر و جوان، خرد و کلان، سپید و سیاه و... کنار یکدیگر در حرکت باشند، حرکت به سمت پدر عبودیت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) برای آرامش در کشتی نجات او.

¹ -Koenig

اصل زیارت در جرگه‌ی امور استحبابی است. زیارت اربعین، حج بیت الله نیست که مسلمان بر خود واجب بدانند، اما به قدری روان انسان در خنکای عطر اربعین آرام می‌گیرد که هر شیعه بر خود واجب می‌داند به توصیه امام عسکری (علیه السلام) گوش فرا دهد و حداقل یک بار نشان پرافتخار زائر اربعین را بر سینه خود نصب کند.

اگرچه حج امام حسین (علیه السلام) به پایان نرسید، اما امروز کعبه شش گوشه او در کربلا، شیعیان را از کشورهای جهان به این دیار جذب می‌کند تا رنگ سرخ خون خدا، جایگزین سپیدی احرام مسلمانان در اجتماع عظیم حج شود و این یعنی صاحب بیت الله برای حضرت ثارالله، حسابی متفاوت گشوده است.

روحیه‌ی تعاون در مسیر پیاده‌روی کربلا نیز یکی از ابعاد زیارت اربعین است. در طول مسیر، انسان شاهد صحنه‌هایی از دل‌باختگی است که فقط می‌توان در مسیر این زیارت نظاره‌گر بود. اینجا زائر، پادشاه زمینیان است. میزبانها می‌کوشند تا کفش او را پاکیزه کنند و حتی بوسه بر آن زنند.

محتوای پیمانی نانوشته به شما می‌گوید که باید زائر را از همه‌ی امکانات رفاهی برخوردار کنید. او باید احساس امنیت داشته باشد، نباید گرسنه بماند، نباید جای خواب مناسب نداشته باشد، نباید با بدنی خسته طی مسیر کند و نباید نیاز دارویی او فراهم نشود. پس تمام تلاش‌ها برای یک مدنیت چند روزه به کار گرفته می‌شود تا شیعه تمرین همبستگی روزگار ظهور منتقم عاشورا را تجربه کند، بنابراین، کارکرد اجتماعی زیارت اربعین می‌تواند ارتباط مستقیمی با عصر ظهور داشته باشد.

اگر زائر بتواند پیوند عمیق قلبی خود را با «امیر زوار» برقرار کند، به یقین در می‌یابد مهم‌ترین درخواست از پروردگار، فرج صاحب اوست. بنابراین همان طور که زیارت اربعین ابعادی بینالمللی دارد باید درخواست زائران، در عرصه‌ای جهانی مطرح شود. به راستی چه دعایی مهم‌تر از زندگی در عصر طلایی ظهور و برپایی حکومت عدالت گستر موعود می‌تواند خستگی یکایک زائران را در پی قرون مختلف برطرف سازد؟

زیارت: سرمایه‌ی بزرگ اجتماعی

زیارت، یک سرمایه‌ی بزرگ اجتماعی است و در میان زیارت‌ها، زیارت اربعین که در آن بزرگ‌ترین پیاده‌روی جهان به نام شیعه ثبت می‌شود، متفاوت‌ترین نوع زیارت است؛ به یقین این حرکت ارزشمند، خاری به چشم دشمنانی است که مخالف وحدت شیعیان جهانند، چراکه اگر این نمی‌بود همه‌ساله به‌خصوص در سال‌های اخیر مخالفان این گردهمایی با تبلیغات و فضاسازی منفی سعی در ایجاد سدی در برابر سیل خروشان جمعیت حاضر نمی‌کرد.

امروز برای همه این پرسش پاسخ داده شده است که چرا میان اهل بیت (علیهم السلام) تنها برای خامس آل عبا مراسم اربعین آن هم سالها بعد از شهادتش برپا می‌شود و این همان وعده‌ای است که پیام‌رسان کربلا، زینب کبری (سلام الله علیها) در مجلس یزید بیان کرد که دشمنان دین خدا هرگز نمی‌توانند نور امام حسین (علیه السلام) را خاموش کنند؛ این همان حقیقتی است که در زیارت‌نامه امام حسین (علیه السلام) می‌خوانیم «شهد آتک نور الله لم یطفأ و لایطفأ ابداً» (کفعمی، ۱۴۰۵).

شاخصه‌ی اهل ایمان

در ابتدا باید به نکته‌ای اشاره کنم که شیعه در لغت به معنای پیرو است، (طبرانی، ۱۴۱۴) کسی که گام در قدمگاه مولای خویش می‌گذارد، باید هر اقدام او مورد توجه و رضایت رهبران خود باشد.

حضرت زهراء (سلام الله علیها) در حدیثی می‌فرمایند: «إِنَّ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرَاكَ وَتَنْتَهَى عَمَّا زَجْرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ إِلَّا فَلَا»، اگر به آنچه تو را به آن فرمان می‌دهیم عمل کنی و از آنچه برحذر می‌داریم دوری کنی، از شیعیان ما هستی و گرنه هرگز. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳) هم‌چنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌فرمایند: «شیعه ما کسی است که از ما پیروی کند، پا جای پای ما بگذارد و به کردار ما اقتدا کند» لذا اگر می‌خواهیم شیعه‌ی حقیقی باشیم، پیوسته باید مراقب اعمال و رفتار خود باشیم و لحظه‌ای هم نباید غفلت کرد، این همان چیزی است که خدا بارها در قرآن بر آن تأکید داشته است «وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (همان).

هر یک از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) برای حفظ فرهنگ عاشورا تلاش‌های بسیاری کرده‌اند و هر یک نقشی از نقوش کربلا را برجسته کرده‌اند، در این میان امام عسکری (علیه السلام) بین صفات مؤمن، پنج شاخصه را تعیین کرده‌اند که زیارت اربعین یکی از آنهاست.

بیان این حدیث شریف توسط پدر امام آخرالزمان (عجل الله تعالی فرجه) خود نکته‌ای است که می‌توان آن را از زوایای مختلف بررسی کرد؛ این حرکت که از اقدام جابرین عبدالله انصاری، صحابی خاص اهل بیت (علیهم السلام) در عصر امام سجاد (علیه السلام) با شاخص قرار دادن امام به‌عنوان صفت شیعه، آغاز و تمدن‌ساز شد. بنابراین در برنامه حجت‌های الهی معرفی اربعین به‌عنوان تراز شیعه، مطرح شده است. آنچه در این حماسه حضور مهم است، توجه شیعیان جهان به اصلی‌ترین خواسته و نیاز هستی است، چه جمعیت حاضر در این اجتماع بی‌بدیل و چه آنان که با دیدن تصاویر و شنیدن اخبار رسانه‌ها، پیوند قلبی خود را با جریان اربعین برقرار می‌کنند باید یکدل و یک‌صدا به دعا بر فرج منتقم عاشورا تمرکز کنند؛ اجتماع اربعین بهترین ظرفیت برای درخواست مشترک ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) است. امام حسین (علیه السلام) رمز ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه) است.

به‌نظر می‌رسد احیای زیارت اربعین توسط امام عسکری (علیه السلام) آماده‌سازی شیعه برای دوران غیبت امام عصر (علیه السلام) است. سایر معصومان (علیهم السلام) نیز بسیار دقیق به این حقیقت اشاره کرده‌اند؛ از سویی در شمار فراوانی از روایات به این نکته تأکید دارد که مصلح جهان، نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام) است، این تعبیر، حاکی از ارتباط خاص امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است.

وقتی به بررسی روایات مهدویت می‌پردازیم ملاحظه می‌کنیم که امام حسین (علیه السلام) رمز ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) است؛ به‌عبارت دیگر، امام حسین (علیه السلام) نقشی بسیار ویژه و خاصی در برپایی امر ظهور دارند. شاید به همین جهت در کتاب «الزام الناصب» آمده است که حضرت، در اولین گفتمان خود با بشریت بعد از ظهور کنار کعبه، بین رکن و مقام می‌ایستد و پنج ندا می‌دهد: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ: آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم. أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمَامُ الْمُنْتَقِمُ: آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده. أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا: آگاه باشید ای اهل عالم که جد من حسین را تشنه‌کام کشتند. أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَرَحُوهُ عَرِيَانًا: آگاه باشید ای اهل عالم که جد من حسین را برهنه روی خاک افکندند. أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَحَقُوهُ عِدْوَانًا: آگاه باشید ای جهانیان که جد من حسین را از روی کینه‌توزی پایمال کردند» (یزدی حائری، ۱۴۲۲)

اگر این حجم از جمعیت که با یک هدف گرد هم می‌آیند و به‌سوی یک مقصد واحد حرکت می‌کنند، هم‌چون رنگی در پوشش و یکپارچگی در حرکت، در نیاز مشترک‌شان به وحدت نظر نیز برسند، آینده‌ی جهان تغییر خواهد کرد، چرا که خداوند متعال در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی رعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یعنی: در حقیقت خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند؛ پس زائران اربعین حسینی می‌توانند با یک درخواست مشترک سرنوشت هستی را تغییر دهند.

شاخصه‌های تمدن‌ساز زیارت اربعین حسینی

در حال حاضر هیچ راهپیمایی در جهان به‌کیفیت اربعین توسط مردم جهان پیگیری نمی‌شود؛ حضور زائران در جریانی که به‌لحاظ فقهی واجب نبوده و درنهایت مستحب مؤکد است، شیعه را تبدیل به «رسانه» کرده است؛ حضور هر زائر، رسانه‌ای آشکار است برای شست‌وشوی فضای نامناسبی که رسانه‌های جهان در طول سال با هزینه‌های بسیار، علیه شیعه ساخته‌اند؛

هم‌افزایی میان افشارمختلف جامعه برای پذیرایی از زائران امام حسین (علیه السلام) یکی دیگر از ابعاد تمدن‌ساز این همگرایی سازنده است. حضور پیروان سایر ادیان در این خیزش معنوی خود حاکی از ابعاد جهانی زیارت اربعین دارد. اجتماع اربعین، مانور بیداری شیعه است تا این پرسش در ذهن انسان آزاداندیش شکل بگیرد که؛ این حسین کیست که همه عالم را به خود مجذوب کرده است؟ راهش چیست؟ چه گفتمانی برای عصر حاضر دارد که این همه مشتاق را به بیابان‌های اطراف کربلا کشانده است؟

حضور در جرگه ی زائران امام حسین (علیه السلام) در تمام سال به‌ویژه اربعین، موهبتی است که همواره باید از خداوند متعال درخواست آن را داشت، چراکه به تعبیر امام صادق (علیه السلام) اگر خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد به او توفیق زیارت امام حسین (علیه السلام) را اعطا می‌کند «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ» یعنی: هرکسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین (علیه السلام) و حب زیارتش را در قلب او می‌اندازد و هر که را خداوند بدی‌اش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین (علیه السلام) و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می‌اندازد (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹).

تشویق و ترغیب مردم به موضوع زیارت که از شاخصه‌های مهم شیعیان به‌شمار می‌رود، پوشش رسانه‌ها در منعکس کردن ابعاد مختلف جریان اربعین، کمک‌های مادی و معنوی به موكب‌های مسیره‌های منتهی به کربلا، ایجاد بسترهای مناسب زیارت آسان توسط مردم و دولتمردان برای حضور آحاد افراد جامعه و ... همه و همه می‌تواند در تمدن اربعین نقش‌آفرین باشد. اگر بتوانیم به این مهم برسیم که هزینه برای زیارت اربعین یک سرمایه بزرگ مادی و معنوی است پس خیلی نیکوتر از گذشته می‌توان در تحقق اهداف زیارت اربعین در تلاش بود.

آسیب‌شناسی زیارت اربعین

زائر زیارت اربعین، باید پرورش یافته به آداب زیارت باشد. رفتن به زیارت اربعین بسیار پسندیده و آن چنان که اشاره شد از صفات مؤمن است، اما کیفیت زیارت و چگونه رفتن ملاک است. باید حرکت ما در پیمودن این مسیر، معنادار باشد. در کتاب گرانسنگ «کامل‌الزیارات» که جناب ابن قولویه، همه راویان آن را تأیید کرده است، روایت بسیار مهم و قابل تأملی آمده است. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «زیارت بروید، بهتر است از اینکه به زیارت نروید و زیارت نروید بهتر است از اینکه به زیارت بروید! مفضل می‌گوید: محضر مبارک حضرت عرض کردم: کمر مرا با این کلام شکستید! حضرت فرمود: به خدا قسم! یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می‌رود غمگین و اندوهناک می‌رود، ولی به زیارت قبر مطهر آن حضرت می‌روید، در حالی که با خود سرفه‌ها و متاع‌هایی می‌برید. نه، این طور نباید به زیارت آن امام بروید، بلکه با حالی حزين و افتاده زیارتش کنید.» (ابن قولویه، ۱۳۵۶).

در این روایت و سخنان بسیاری از این دست، توجه حضرات آل الله به آداب زیارت است، نه تنها زیارت امام حسین (علیه‌السلام) که مستحب مؤکد است، بلکه ما نباید هیچ یک از اعمال واجب را به دلخواه خویش انجام دهیم. زائر باید بداند «زیارت» به سبب دستوری است که از جانب حجت‌های الهی به ما ارائه شده است. پس باید در چارچوبی که دین برایمان تعریف کرده است در این مسیر گام بگذاریم. زمانی من پاسخ «لبیک یا حسین» را خواهم شنید که واجبات شرعی و حقوقی که در وطن بر گردن من است را انجام داده باشم. زمانی می‌توانم نام «زائر» را بر خود بگذارم که شئون مسلمانی از احترام به بزرگان دین و حفظ حریم محرم و نامحرم را در طول این سفر رعایت کنم و به تعبیر امام صادق (علیه‌السلام) همچون انسانی «پدر از دست داده» به زیارت بروم و حالت حزن و اندوه داشته باشم، در غیر این صورت با تعبیر کمرشکن امام روبه رو می‌شوم که «زیارت نروید بهتر است، از اینکه به زیارت بروید». رفتن به زیارت اربعین سید الشهداء (علیه‌السلام) توفیق خداوندی است، اما به زیارتی نرویم که صاحب سرزمین کربلا به ما بگوید: چرا آمده اید؟

وقتی زائر «حلالیت واقعی» از ذوی الحقوق خود نطلبیده است و دل بسیاری را آزرده، چگونه انتظار تأثیر از برکات بی‌بدیل زیارت امام حسین(علیه‌السلام) را دارد؟ آیا بدهی‌های عاطفی، رفتاری، اخلاقی و مالی را پرداخت کرده‌ایم و قصد زیارت داریم؟ فرهنگ تشیع، مکتب شور و شعور است و زیارت اربعین باید تبلور هر دو بال این نگرش باشد.

به یقین، امام عصر(عجل الله تعالی فرجه) به سخن پدر بزرگوار خویش گوش فرا می‌دهد و خود، زائر حضرت اباعبدالله(علیه‌السلام) در اربعین است، پس «زائر حقیقی» باید به تاسی از امام زمانه خویش آداب پیش، هنگام و پس از زیارت را بشناسد و رعایت کند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ زیارت باید به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت عبادی مورد توجه شیعیان باشد به سبب این که می‌تواند محور تحول فرد یا افراد جامعه باشد؛ این عامل مؤثر بر سلامت روانی ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و معنوی انسان را سامان می‌دهد، در این میان و با توجه به شرایط موجود در قرن بیست و یکم کارکرد معنوی زیارت با تأکید بر زیارت اربعین بررسی شد و ملاحظه گردید بسیاری از مفاهیم ارزشی مانند معرفت امام، ایثار، تعاون و... به عنوان خروجی معنوی این زیارت می‌تواند از آن نام برد.

جریان تقابل با زیارت از صدر اسلام در جامعه شکل گرفته است و پیامبر و اهل بیت(علیهم السلام) در مواجهه‌ی با آن واکنش نشان داده‌اند؛ این اقدام را در دو روش حضور در مزار افراد شاخص و دستور مستقیم به شیعیان جهت حضور در مزار اهل بیت(علیهم السلام) می‌توان پیگیری کرد.

یکی از راه کارهای دین برای رسیدن آرامش، امید و سرزندگی، به بشر قرن بیست و یکم نهادینه کردن فرهنگ زیارت است تا ضمن ارتقای معنوی با خواندن زیارت‌نامه‌های مأثور در جهت کمال و معرفت پیشرفت کند. رابطه‌ی معنادار دین و سلامت عمومی جامعه ما را به سمت نهادینه کردن مقوله‌ی زیارت در همه‌ی سنین رشد رهنمون می‌کند.

تمام شاخصه‌های یک فرهنگ پویا در بستر زیارت اربعین دیده می‌شود، بنابراین زیارت اهل بیت سیدالشهدا(علیه‌السلام) و صحابه بزرگوار ایشان، جناب جابر بن عبدالله انصاری، سنگ بنا و نقطه عطف زیارت تمدن ساز اربعین است. با این حال، حداقل چهار عنصر همیشه جاویدان معنویت، محبت و بغض، پویایی و همبستگی در این زیارت مشهود به نظر می‌رسد.

دستاورد معنوی زیارت اربعین را می‌توان معامله‌ای دو سر سود نامید. بنابراین، در سلوک علمی و عملی دانشوران شیعه، اهتمام به زیارت پیاده اربعین را شاهد هستیم. زندگی در سازمان اجتماعی زیارت اربعین تحول آفرین است، هویت جدید زائر اربعین ورود به شهر اهل ایمان است و این یعنی رشد در سایه‌ی توجه حجت خدا، بنابراین زوایای فرهنگ ساز زیارت اربعین بی‌نظیر است.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۷۱، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی
- ۳- ابن سعد، محمد، ۱۴۱۰ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبد القادر عطا الطبعة الأولى، بیروت، دار الکتب العلمیه
- ۴- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۶، بی جا، المكتبة الحیدریه
- ۵- ابن طقطقی، محمد بن علی، ۱۳۶۰، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۶- ابن عبری، یوحنا ابوهارون، ۱۳۷۷، تاریخ مختصر الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، چاپ اول، علمی و فرهنگی
- ۷- ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۳۵۶ ش، کامل الزیارات، مصحح: عبد الحسین امینی، چاپ اول، نجف اشرف، دار المرتضویه
- ۸- ابن مکی (شهید اول)، محمد، ۱۳۷۷ ش، ذکر الشیبه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث
- ۹- اصفهانی، ابو الفرج، ۱۴۰۵، مقاتل الطالبیین، قم، منشورات الرضی
- ۱۰- امین، محسن، ۱۹۸۳/۱۴۰۳، اعیان الشیعه، بیروت، بی نا
- ۱۱- امینی، عبدالحسین، ۱۳۴۶، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، بیروت، بی نا.
- ۱۲- جعفریان رسول، ۱۳۸۹، تاریخ سیاسی اسلام سیره ی رسول خدا، چاپ هشتم، قم، انتشارات دلیل ما
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
- ۱۴- زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۹، الاعلام، چاپ دوم، بیروت، دار العلم للملایین
- ۱۵- السمهودی، علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی الشافعی، ۱۴۱۹، نور الدین أبو الحسن، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، الطبعة الأولى،
- ۱۶- طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، ۱۴۱۴، المعجم الأوسط، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد عبد المحسن بن إبراهیم الحسینی قاهره، دار النشر و دار الحرمین.
- ۱۷- صدوق، ابن بابویه، ۱۳۶۷ ش، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری و محمد جواد بلاغی، چاپ اول، تهران، نشر صدوق
- ۱۸- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، اساطیر
- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، الامالی، چاپ اول، قم، دارالثقافه
- ۲۰- همو، ۱۴۱۱ ق، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه
- ۲۱- کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۵ ق، المصباح (جنه الأمان الواقیه و جنه الإیمان الباقیه)، چاپ دوم، قم، دار الرضی
- ۲۲- کلیدار، عبدالجواد، ۱۳۸۹، ترجمه تاریخ کربلا و حائر حسینی علیه السلام، مترجم مسلم صاحبی، تهران، نشر مشعر
- ۲۳- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- ۲۴- همو، ۱۴۰۴، مرآة العقول، چاپ دوم، تهران دار الکتب اسلامیه
- ۲۵- مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹، مروج الذهب، دار الهجره
- ۲۶- موسوی بجنوردی، سید محمد کاظم، ۱۳۶۷، چاپ اول، لیدن، دایره المعارف بزرگ اسلامی
- ۲۷- نجدی، عثمان بن بشیر، ۱۴۲۹، عنوان المجد فی تاریخ النجد، ریاض، دارالبشائر الاسلامیه
- ۲۸- النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، ۱۳۹۲، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، الطبعة الثانية، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- ۲۹- یزدی حایری، علی بن زین العابدین، ۱۴۲۲ ق، إلیزام الناصب فی إثبات الحجج الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق علی عاشور، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی

30- Stephen Hemsley Longrigg.(1986) ،Four centuries of modern Iraq ،Beirut

31- Shafranske,E.p.(Ed).(1996).Religion and the clinical practice of psychology
Washington,DC:American Psychological Assos

32-Koenig,H.G;McCullough,M.E.&Larson,D.B(Eds).(2001)Handbook of religion and health.New
York:Oxford University Press.